

جشن نوروز می‌پردازند و برخی دیگر بهار را دست‌مایه‌ای برای غنابخشیدن به عاشقانه‌های بهاری خود قرار می‌دهند. چنان‌که فردوسی جشن نوروز را چنین به قلم آورده است: «سر سال نو هرمز فرودین، برآسوده از رنج

و در سبک‌وسایق خود به روایت بهار و جشن نوروز پرداخته‌اند. برخی از این روایات به وصف فلسفه پیدایش جشن نوروز می‌پردازند و برخی دیگر بهار را دست‌مایه‌ای برای غنابخشیدن به عاشقانه‌های بهاری خود قرار می‌دهند. چنان‌که فردوسی جشن نوروز را چنین به قلم آورده است: «سر سال نو هرمز فرودین، برآسوده از رنج تن، دل ز کین/ بسزرگان به شادی بیاراستند، می و رود و رامشگران خواستند/ چنین جشن فرخ از آن روزگسار، به جا ماند از آن خسروان یادگار» و حافظ شیراز چنین سروده است: «کوی یار می‌آید، نسیم یاد نوروزی/ از این یاد را مدد خواهی، چراغ دل برافروزی/ چو گل گر خرده‌ای داری، خدان را صرف عشرت کن/ که قارون را غلطا داد، سودای زراندوزی». نوپردازان شعر نیز (از شفيعی‌کدکنی و فریدون مشیری گرفته تا مهدی اخوان‌ثالث و احمدرضا احمدی) به فراخور رویدادهای اجتماعی و سیاسی بهار را سوزۀ آثار خود قرار داده‌اند.

با این تفاوت که در اغلب اشعار نوپردازان دیگر خبری از آن طرب‌انگیزی نیست. این روند تا جایی پیش می‌رود که در بهمن ۱۳۵۷ ترانه‌های بهاری رنگ‌بویی انقلابی و حماسی به خود می‌گیرند و کارکرد آنها از انحصار شورانگیزی جشن نوروز خارج می‌شود. اما چرا گنجینه موسیقی بهاری آن هم در درون‌مایه‌ای درخور این جشن بزرگ به گستردگی ادبیات آن نیست؟ درحالی‌که از طرفی جشن نوروز به دلیل هم‌زمانی با رستاخیز طبیعت و پیش‌کشیدن کهن‌الگوی نوشدگی و زایش در برابر کهنگی و مرگ یکی از پویاترین اعیاد محسوب می‌شود، و از طرف دیگر زبان موسیقی به دلیل ریتم و قدرتی که در انتقال احساس دارد بیش از سایر ارکان هنر از پس انتقال پویایی احساس آن برمی‌آید. صفی‌الدین ارموی، نماینده نخله روش نظام در موسیقی، ۱۲ مقام و ۲۴ شُبه و ۴۸ گوشه برای موسیقی ایرانی قائل می‌شود که در بین این اسامی به نوروز عجم، نوروز صبا، نوروز عرب و نوروز خارا برمی‌خوریم. در دوره قاجاریه موسیقی ایرانی از شکل مقامی خود خارج و در قالب هفت دستگاه و پنج آواز تدوین می‌شود. آنچه از راه گوش و انتقال سینه‌به‌سینه از نغمه‌های نوروزی به امروز رسیده است تنها سه‌گوشه نوروز عرب، نوروز صبا و نوروز خارااست که هر سه گوشه‌های سازی هستند و در ردیف آوازی از آنها یاد نشده است. این سه‌گوشه در دستگاه همایون و راست‌پنجگاه اجرا می‌شوند.

نوروزخوانی در گذر تاریخ

به روایتی، بدعت جشن نوروز به پادشاه پیشدادی ایران، جمشید، نسبت داده می‌شود. طبق این قول روز پیروزی جمشید در جنگ با اهریمن را «روز نو» می‌خوانند و در این روز که هم‌زمان با یکم فروردین است اهورامزدا به زرتشت‌پند فرمان می‌دهد به مردم زمزمه آهنگین و نیایش‌گونه یایموزد. این‌چنین بود که موبدان در آتشکده با زمزمه سرودی به نام «گات‌ها» بهار پیروزی اهورا بر اهریمن را بشارت دادند. و اما «گات‌ها» چیست؟ «گات‌ها» جمع گات به معنای سرود است، که در زبان پهلوی به آن کاس و در پارسی به آن گاه می‌گویند؛ همان‌که به روایتی در پسوند ترکیب دستگاه‌های موسیقی سه‌گاه و چهارگاه آمده است (البته در روایتی دیگر «گاه» در موسیقی قدیم ایران را به پرده‌ساز نسبت می‌دهند).

نظامی گنجوی در منظومه «خسرو و شیرین» در فصل بارید، که با عنوان «سی لحن بارید» به ۳۰ لحن موسیقی دوره ساسانی می‌پردازد، آورده است: «نوزده‌تاز ناز نوروز

چو در پرده کشیدی ناز نوروز / به نوروزی نشستی دولت آن روز». بارید نام‌ورترین موسیقی‌دان، شاعر، بریط‌نواز و خواننده دوران ساسانی در زمان پادشاهی خسروپرویز است. این خنیاگر بارگاه شاهان ساسانی هم آن است که اختراع دستگاه‌های موسیقی ایران و نغمه‌هایی همچون بهار بهار، ساز نوروز، نولهاری و



نگاهی به سیر تکوینی ترانه‌ها و آهنگ‌های نوروزی، از روزگار کهن تا امروز

خاطره‌بازان بهار

عطیه نوری

آیین جمشید را به او نسبت می‌دهند. روایت است که پارسیان با اندوه و سوگواری بیگانه بودند و به‌وقت آمدن نوروز صدای ساز و دهل و رامش و نیایش و خنیاگری‌شان به آسمان هفتم می‌رسید. مراسم نوروز در دوران هخامنشیان و بعدتر ساسانیان با نوای دف همراه می‌شد و بنیان موسیقی نوروز (نوروزخوانی، بهارخوانی یا نوروزی) بر پایه طرب‌انگیزی استوار بود. نوروز درشن فرهنگ ایرانیان محسوب می‌شد و به‌همین‌سبب برای گرامیداشت آن سنگ‌تمام می‌گذاشتند. از آنجا که این نوع موسیقی در ستایش اهورامزدا و توصیف دگرگونی طبیعت اجرا می‌شد برخی آن را در دسته موسیقی دینی طبقه‌بندی کرده‌اند. بعدها با ورود اسلام نیز این‌گونه با مفاهیم مذهبی آمیخته شد و حال‌وهوای دیگری (خاصه در متن اشعار) یافت و برخی آن را در طبقه تعزیه، صلوات‌خوانی و مداحی قرار دادند. با توجه به آنکه نخستین سند تاریخی درباره خاستگاه نوروزخوانی به قلم یار الکساندر خونسکو، ایران‌شناس روسی، در سال ۱۸۴۲ در کتاب فرهنگ و گویش‌های شمال ایران به رشته تحریر درآمده است، نوروزخوانی را بیشتر به مردم استان گیلان و مازندران نسبت می‌دهند. باوجود آنکه این روزها بسیاری از مردم شهرهای بزرگ با سنت نوروزخوانی آشنایی ندارند، ولی همچنان این سنت در برخی از شهرستان‌های شمال ایران، چه به‌صورت آوازی و چه به‌صورت سازی، زنده و پویا دنبال می‌شود. به باوری، ملودی کهن نوروزخوانی به بخشی از آیین موسیقی نواحی شمال ایران تبدیل شده است که قدمت آن به پیش از دوازدهر و ۵۰۰ سال می‌رسد. زمان آغاز خواندن این آواز از نیمه دوم یا سوم اسفند است و به‌ندرت تا دهه اول فروردین ادامه پیدا می‌کند.

قرار بر این است که شهرستان شفت (از شهرستان‌های استان گیلان) در نوروز ۱۳۹۵ برای استقبال از گردشگران، اجرای مراسم سنتی «نوروزخوانی» را به‌عنوان یکی از برنامه‌های شاخص خود برگزار کند.

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان

نوروزخوانان



عکس:

ملیح حسینی/ ایران

آثار بهاری در آستانه پیروزی انقلاب است. * نکته حائز اهمیت درباره آثاری که قرار است به رسمی با پشتوانه تاریخی بپردازند این است که برخلاف آنکه ساده به نظر می‌رسند برای ماندگاری وظیفه دشواری بر دوش دارند. باوری در بین سازندگان موسیقی بهاری وجود دارد که تصور می‌کنند با گنجاندن واژه بهار لایه‌ای متن ترانه و تنظیم آن روی ملودی شش‌وهشت می‌توان به قلب‌های یخ‌زده انسان قرن بیست‌ویکم نفوذ کرد و ح‌حال او را همچون حال طبیعت متحول کرد. با نگاه به آثار بهاری اندکی که موفق به تثبیت در اذهان عمومی شدند، متوجه می‌شوید یکی از وظایف اصلی آثار بهاری، کشیدن بار نوستالژیک برای مخاطب خاطره‌باز امروز است. آنچه «دوکانه» فرهاد را جاودانه می‌کند به‌واسطه پیوندی است که ششونده از طریق این اثر می‌وز، بوی عنوان «بوی عیدی» دهان‌به‌دهان چرخید. نوروزی خاطره‌انگیز در سال ۱۳۵۵ با همکاری فرهاد مهرد، شهیار قنبری و اسفندیار منفردزاده ساخته شد و خیلی زود با عنوان «بوی عیدی» بهار عرضه می‌شد. در روزگار ساسانیان مراسمی به شمایل کارناوال‌های امروزی به نام «کوسه برنشین» یا «بهار جشن» از سوی غلامان سیاهی که دف و دایره می‌زدند رواج داشت. آنچه از تمام آن کارناوال‌های موسیقی و یایکوبی عمونوروز و مردم‌ناره‌گرد بر جای مانده است، چیزی نیست جز حاجی فیروزی خموده که گاه پشت چراغ‌قرمز دایره‌ای می‌زند و نوید آمدن بهار را به نگاه‌های خسته رانندگان و عابران می‌دهد.

اما در اجرای نوروزخوانی از چه سازهایی استفاده می‌شود؟ در پای ساز نوروزی را در اشعار حافظ می‌توان پیگیری کرد: «می اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش/ آصف به جرعه جامت جهان را ساز نوروزی»؛ نوای سازهایی مانند سورنای، دونی، کرنا، دهل، کوبه، نقره، دوتار، تنبک، کمانچه، دایره، تشت مسی و چوبی، قاقق و کاسه، به مراسم نوروزخوانی گامی موسیقایی می‌بخشد، اما سازی که وظیفه اعلام تحویل سال را در گذشته بر عهده داشت سورنای و دهل بود که در فضای موسیقی چهارگاه نواخته می‌شد و امروز به‌صورت نمادین هنگام تحویل سال از تلویزیون با رادیو پخش می‌شود.

موسیقی بهاری در گذار امروز

با وجود چنین پیشینه بارزرفشی در زمینه شعر و موسیقی ویژه بهار و همچنین افزایش آثار سفارشی مختص بهار از سوی رادیو و تلویزیون، تعداد آثار ماندگار در این ژانر چشمگیر نیست و آنچه تولید می‌شود اغلب از موسیقی‌های از تولید به مصرفی هستند. پس از انقلاب نام و ردیای بهار در ترانه‌های فارسی به دایره‌ای فراتر از جشن نوروز کشیده شد و بسته به حال و هوای دوران، رنگ و بو و اثربخشی‌های متفاوتی به خود گرفت. از بهار هنگام درگیری‌های انقلاب و جنگ که بوی خون می‌داد، تا بهار به‌وقت روزگار تحریم و تنگدستی که سفره‌های خالی مردمان این سرزمین را با نوای خود گس می‌کرد. * محمود علیقلی قطعه «آب زیند راه را» را از میان آثارِی که مولانا با استفاده از مفهوم بهار سروده به مناسبت بهار انقلاب برگزید و در استقبال از ورود امام به ایران در بهمن ۱۳۵۷ خواند و برگی دیگر را در تقویم ترانه‌های نوروزی ورق زد. او در این مسیر تنها نبود؛ ترانه «بهاران خجسته باد» نیز سروده دکتر عبدالله بهزادی است که آن را در همدردی با همسر انقلابی‌جان‌باخته کُکوبی «پاترس لومومبا» در سال ۱۳۳۹ نوشته بود. کرامت دانشیان، این‌شعر را تبدیل به سرود کرد و اسفندیار منفردزاده، برای آن ملودی نوشت و در آستانه پیروزی انقلاب درسال ۱۳۵۷ به اجرا درآورد. سرود «بوی گل سوسن و یاسمن آید» سروده ابر آوین نیز از جمله دیگر

موسیقی

ملودی

یورووین ۲۰۱۶ و بحران پناهندگی

شرق؛ با وجود موضع‌گیری سوئد در مورد کنترل مرزها، برنده سال گذشته یورووینژن تاکید دارد که نباید و نمی‌توان نسبت به موضوع مهاجران و قربانیان جنگ بی‌تفاوت بود. به گزارش خبرگززاری مهر به نقل از ایندیندنت، چندین دهه است که سیاست نقش بزرگی در مراسم موسیقی یورووینژن ایفا کرده است؛ حالا فرقی نمی‌کند یا گفته می‌شود کشورهای همسایه به آهنگ‌های یکدیگر رای می‌دهند تا نظر دیگری را جلب کنند یا اینکه خود آهنگ‌ها بیانیه‌هایی جنجالی مطرح می‌کنند. در سال ۲۰۱۶، یکی از بزرگ‌ترین داستان‌های سیاسی دوران معاصر در مرکز صحنه جای خواهد گرفت و مانس زلمرلوف که پارسال برنده یورووینژن شد، قرار است قطعه «کنار هم آمدن» را اجرا کند که روی بحران پناهندگی تمرکز خواهد کرد. او می‌گوید: «حالا بیش از همیشه ضروری است که ما متحد و به هم ملحق شویم و این کشور‌های اروپا در آن با هم ملاقات می‌کنند. ما مشخصاً می‌خواهیم به این مسئله اشاره کنیم؛ اگر کار دیگری غیر از این انجام دهیم، انکار سازمان را زیر برف کرده‌ایم». این خواننده از تصمیم سوئد مبنی بر سخت‌وسخت‌ترکردن کنترل مرزی انتقاد کرد و گفت: «ما حالا مرزها را بستیم. برای همین نمی‌دانیم چیز زیادی داریم که به آن افتخار کنیم یا نه». سوئد در اوایل سال فعلی از برنامه‌هایش برای ردکردن ۸۰ هزار پناه‌جو پرده برداشت. او همچنین گفت می‌خواهد برنامه‌ای برای تعمق حضار اجرا کند تا توجه بیشتری را به این بحران جلب کند. سون استونابوویچ تهیه‌کننده محتوای یورووینژن درباره این برنامه گفت: «ما می‌خواهیم کاری کنیم مردم فکر کنند و بعد از دیدن این اجرا، چیزی برای تفکر نداشته باشند». پترا مید که دیگر مجری مراسم اسمال است و کنار زلمرلوف روی صحنه می‌رود، گفت آنها راجع به این موضوع تفاهم داشتند که نمی‌توانند این مسئله را نادیده بگیرند. به گفته او: «همه می‌دانند که درحال‌حاضر وضعیت خیلی سختی در اروپا وجود دارد. ما می‌خواهیم تصویری از اتفاقی که در حال رخ‌دادن است فراهم کنیم، اما همچنین یک احساس امید هم وجود خواهد داشت». مرحله نیمه‌نهایی یورووینژن ۲۰۱۶ در روزهای دهم و دوازدهم ماه می برگزار می‌شود و فینال این مسابقات هم روز چهاردهم این ماه روی صحنه می‌رود.

* اما عده‌ای از خوانندگان موسیقی پاپ دهه ۷۰ با خواندن ترانه‌های بهاری برای صداسوسیمیا مطرح شدند و بعدها باوجود آنکه نامشان کمتر شنیده شد؛ ولی ترانه بهاری‌شان در یادها ماند. یکی از این خاطره‌سازان بهاری، عباس بهادری بود که ترانه «گل می‌روید به باغ» را خواند. به دلیل همین ترانه‌ها یاد که دهه ۶۰ و ۷۰ را خاطره‌انگیزترین نوروز‌های صداسوسیمیا می‌دانند. اوایل دهه ۶۰ علی‌اکبر مهدی‌پورهکردی (از نوازندگان موسیقی مقامی و سنتی ایران) نوروزنامه یا همان موسیقی هنگام تحویل سال نو را ساخت. اثر او هنوز یکی از متداول‌ترین موسیقی‌هایی است که در لحظه تحویل از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود و سفره هفت‌سین ایرانیان را رنگین می‌کند. دو ترانه پرتیرقدار دهه ۸۰ و ۹۰ درباره فصل بهار که از صداسوسیمیا پخش شد، ترانه «بهار بهار» از سروده‌های توح شعبان‌خانی با صدای ناصر عبداللهی و «به‌رقص‌آ» از غزلیات ملولی با صدای محسن چاوشی است.

در مرور تاریخ موسیقی بهار هرچه پیش‌تر می‌آییم بر کمیت افزوده و از کیفیت کاسته می‌شود. در این سال‌ها که تب خواندن ترانه‌های مناسبتی داغ است، ترانه‌های بهاری بی‌شماری برحسب وظیفه خوانده شده است که بعد از یکی، دو بار پخش از تلویزیون یا رادیو، از حافظه موسیقی رخت برپستند؛ بی‌آنکه اثری از آنها بر جای ماندن.

ارکستر سمفونیک تهران به رهبری «لوریس چکناواریان» روی صحنه خواهد رفت. بنیاد رودکی اعلام کرده است: «این ارکستر بنا به وظیفه انسانی و اجتماعی خود اقدام به اجرای برنامه به‌منظور حمایت از فعالیت‌های انسان‌دوستانه مؤسسات خیریه کرده است. برهمن‌اساس و طبق توافق صورت‌گرفته بین بنیاد رودکی و وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان بهزیستی کل کشور، ارکستر سمفونیک تهران به رهبری لوریس چکناواریان نیمه دوم اردیبهشت در تالار وحدت روی صحنه خواهد رفت». همچنین اعلام شده است: این کنسرت با حضور افتخارای لوریس چکناواریان همراه خواهد بود و عواید حاصل از فروش بلیت در اختیار مؤسسات خیریه قرار خواهد گرفت. بنیاد رودکی در حالی از اجرای بهاری ارکستر سمفونیک تهران در تالار وحدت خبر می‌دهد که هنوز تکلیف این ارکستر برای امضای قرارداد با نوازندگان و مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران توسط معاون امور هنری وزارت ارشاد مشخص نشده است.

شعور موسیقایی مردم ما بالا رفته است

۴ زمانی که شما در شبکه‌های ماهواره‌ای ویدئو منتشر کردید، عده‌ای از خوانندگان داخل کشور نیز با شما هم‌سو بودند که افرادی مانند مهدی مقدم، پس از آن ماجراها در ایران ماندند و توانستند مجوز هم کسب کنند، اما برخی دیگر برای ادامه فعالیت‌های موسیقی‌شان به خارج از کشور مهاجرت کردند، شما چرا در ایران ماندید؟ من به نام کشورم عرق دارم و به جامعه ایرانی و در ایران‌ماندن خیلی وابسته‌ام. من جزء خوانندگانی بودم که هم از وزارت فرهنگ و ارشاد و هم صداسوسیمیا مجوز صدا گرفتم. مجوزهای من را مرحوم محمد نوری صادر کرده بود. ما از اینجا مجوز گرفتیم و وطنمان اینجااست، من شخصاً دوست دارم در کشورم فعالیت کنم. شاید اشتباهاتی هم از سمت‌وسوی مختلفی به وجود آمده که پای همه آنها هم ایستادام و تاوانش را هم داده‌ام.

۴ قصد ساختن ویدئو کلیپ‌های دیگری را هم دارید؟ بله، اما ما فقط کلیپی را خواهیم ساخت که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز آن را صادر کند. من برای ساخت ویدئو در گذشته پیشنهاد‌های بسیاری را از خارج کشور داشته‌ام و هنوز هم کم‌وبیش به من پیشنهاد می‌شود، اما این پیشنهادها اصلاً برایم اهمیتی ندارد. ۴ در این ۱۰ سال که فعالیتتان در موسیقی خیلی جسته‌وگریخته بود، مشغول چه فعالیت دیگری بودید؟ گویا در حرفه مدلیگ هم فعال بودید.

بله، مدل هم بودم اما خیلی کم. این سال‌ها برای من تلخی‌ها و شیرینی‌هایی داشت که خیلی علاقه ندارم به آنها برگردم. چون الان روزهایی را دارم که دوست ندارم با یادآوری آنها، این روزهایم را خراب کنم.

۴ در این مدت آلبومی از دیگر خوانندگان کشورمان را دوست داشتید؟

بله، من آلبوم «مثل مجسمه» مهدی یراحی را خیلی دوست داشتم. از آلبوم امیرعلی بهادری هم که از آهنگ‌سازان و خوانندگان خوب و جوان کشور است، چند قطعه را دوست داشتم. گروه Kako Band متشکل از نیما و پویا صرافی مهر هم از متفاوت‌ترین آلبوم‌های ایران را تولید کردند که به شکرانه پروردگار، جوری آلبومشان مورد استقبال قرار گرفت که خود ما هم باور نمی‌کردیم. خود من هم با آنها کار کرده‌ام و می‌دانم که آنها چه مشکلاتی را بر سر راه این آلبوم طی کردند تا به امروز برسند. بنابراین آلبوم این گروه از بهترین انتخاب‌های من در این سال‌هاست، چون در کار آنها اصلاً ترانه‌ای در میان نیست، اما از آواهایی استفاده کرده‌اند که در آنها احساس و نقاط مثبتی وجود دارد که من و خیلی‌های دیگر را تحت‌تأثیر قرار داده است.

۴ چرا پیشه مدلیگ را ادامه ندادید؟

من از سمت یکی از دوستان، پیشنهاد این را هم داشتم که برای مدلیگ جدیدی که برای نوع پوشش ایرانی قرار بود برگزار شود حضور داشته باشم، اما فکر می‌کنم مسئله مدلیگ با فرهنگ فعلی جامعه ما تضاد دارد. این را هم صراحتاً بگویم که حرفه اصلی و تخصصی من خوانندگی است که در کنار آن خداوند محبت کرده و به من نعمت‌های دیگری هم داده که بابت آن خدا را شکرگزاری می‌کنم. من دوست دارم که مدلیگ در ایران وجود داشته باشد، اما فعلاً این مسئله از طرف افرادی که مسئولیتی در این کار دارند، ناشناخته و تعریف نشده است. البته من باخبر هستم که در بخش خاندن‌ها مجوزهایی برای نمایش مدلیگ داده شده، اما در حوزه آقایان در حال‌حاضر مجوزی صادر نشده است.

۴ در بحث مدلیگ پیشنهادی با رقم بالا نداشتید؟

پیشنهاد داشتم، اما قبول نکردم؛ چون بیشتر این پیشنهادها هم از خارج کشور بوده است. قیمت‌هایی هم به من پیشنهاد کردند بیشتر از ارقامی است که با ریال یا تومان سنجیده شود، اما من قبلاً هم گفتم که فقط در کشورم فعالیت هنری خواهم داشت.

۴ ممکن است روزی به جایی برسید که این حرفتان را پس بگیرید؟

بله، برای یک هنرمند هیچ‌وقت آینده قابل پیش‌بینی نیست. همان‌طور که امروز، روزهای خوبی وجود دارد، ممکن است آینده شرایط به‌گونه‌ای شود که حرفم را پس بگیرم. اما اگر الان آن‌قدر محکم صحبت می‌کنم، برای این است که ۱۰ سال پیش هم به همین شکل فکر می‌کردم و فکر نمی‌کنم در آینده هم چیزی تغییر کند.

۴ در بین آلبوم‌هایتان کدام‌یک را موفق‌تر دانسته و بیشتر دوست دارید؟

حقیقتاً آلبوم دومم با نام «مجرم»، که ساختارش را با مهدی یراحی پایه‌ریزی کردیم، بیشتر دوست داشتم و خاطرات خوبی با آن دارم. مخاطبانی هم با آن آلبوم پیدا کردم که در این سال‌ها هنوز بیگرم من هستند. آلبوم «احساس خاص» را هم شخصاً خیلی دوست دارم و سعی کرده‌ام برای بازار فعلی آهنگ‌های خوبی را در آن قرار دهم؛ اما باز هم می‌گویم که هیچ آلبومی بدون نقص نخواهد بود. من صدردصد از کاری که کرده‌ام راضی هستم، چون تالشم را کرده‌ام ولی من باید جواب مردم را بگیرم تا بازخورد اثرم را به طور قطع ببذیرم.

۴ علت آنکه در سال‌های اخیر، تک‌آهنگ‌های کمی منتشر کردید چیست؟

بعد از سال ۱۳۸۴ که من آلبوم دومم را منتشر کردم، به‌یک‌باره سبک رپ و در ادامه پاپ یا رپ یا پاپ و راک جان گرفتند. وقتی سبک‌های جدید به میدان می‌آیند، سلاقی مردم پخش می‌شود. در آن زمان من سعی کردم کمتر کار منتشر کنم، اما کیفیت کارهایم به‌گونه‌ای باشد که ماندگار شوند. همین وسواس‌ها مقداری من را کم‌کارت‌تر کرد و‌گرنه مشکل خاصی وجود نداشت.

۴ من فکر می‌کنم با انتشار آلبوم «احساس خاص»، قصد داشتید یک‌بار دیگر نظر مخاطبان را نسبت به حسین استیری محک زنید. تا چه اندازه با نظر من موافقت؟

ما قبل از «احساس خاص»، یک آلبوم دیگر با نام «پس از سکوت» جمع‌آوری کردیم که حتی الان مجوز دارد. ما به همراه آقای جعفری‌وز نیما صرافی‌مهر به این نتیجه رسیدیم که این آلبوم ضعیف است و در بازار فعلی بازخورد خوبی نخواهد داشت. بلافاصله آن آلبوم را کنار گذاشیم و آلبوم «احساس خاص» را شروع کردیم. پس من درحال‌حاضر این سخن‌شما را نمی‌توانم بپذیرم. ما اگر می‌خواستیم مخاطبانمان را محک بنزیم، آلبوم «پس از سکوت» را منتشر می‌کردیم.

جعفری‌وز: ما معتقدیم که آلبوم «احساس خاص»، ۵۰ درصد توانمندی‌های آقای استیری است. شاید از یک دیدگاهی حرف شما درست باشد چون در این آلبوم، فقط دو قطعه در سبک آقای استیری ساخته شده بود. آلبوم بعدی که جمع‌آوری می‌شود، وجودش آن دو قطعه خواهد بود. آلبوم «پس از سکوت» هم که آقای استیری درباره‌اش صحبت کردند، آثار یک آهنگ‌ساز آلمانی بود که درواقع آلبوم خوبی هم بود ولی در بازار آن زمان جایگاه خاصی نداشت. ما آن آلبوم را نگه داشتیم و برنامه‌های خیریه‌ای برای آن خواهیم داشت و متعاقباً آن را اعلام می‌کنیم.